خارج فقه جلسه 129– فصل فی افعال الوضوء- 11/04/1401

موضوع: (مقدار طول مسح سر - ادله - نظر استاد - آیا برعکس مسح کردن کافی است؟ - ادله)

بسم الله الرّحمن الرّحيم

الحمد لله رب العالمين والصّلاة والسلام على محمّد وآله الطاهرين والّلعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

امر پنجم: طول مسح چقدر است؟ سید فرمودند همان‌طوری که نسبت به عرض انگشت گفته شد که مسمای کشیدن کافی است نسبت به طول هم مسمای کشیدن کافی است و هو المختار اما ادله:

دلیل اول: اتفاق عملی بین فقهاست یعنی از قدما تا متأخرین همه فتوا به چنین مطلبی داده‌اند و این سیره عملی است و تا زمانی که ردعی نشده است حجت است فقها درباره کیفیت عرض مسح اختلاف دارند، برخی می‌گویند واجب است عرض به اندازه سه انگشت باشد و برخی مسح با سه انگشت را مستحب می‌دانند وهو المختار اما درباره مسمای مسح در طول هیچ اختلافی نیست.

دلیل دوم: اطلاق آیه ﴿وامسحوا برؤسکم﴾ است که اطلاق امر به مسح هم عرض و هم طول را شامل می‌شود.

دلیل سوم: برخی از روایاتی که گذشت مثل صحیحه زراره و بکیر که در این روایات مقید به عرض نشده است.

امر ششم: آیا مستحب است در جانب طول به مقدار یک انگشت باشد؟ سید می‌فرماید بله مستحب است و دلیل ایشان اطلاق صحیحه زراره و بکیر است یعنی این حدیث به‌طور مطلق می‌گوید با سه انگشت مسح کند مجزی است و هم شامل عرض و هم طول می‌شود یعنی مجزی است که عرض به اندازه سه انگشت باشد و هم احتمال دارد هم طول و هم عرض این‌طور باشد و می­توان فتوا داد که طول مسح به اندازه یک انگشت باشد و بدیهی است که طول سه انگشت به اندازه یک انگشت است و تفاوتی ندارد.

اشکال: برخی از فقها این اطلاق را قبول ندارند و گفته‌اند از روایات اصبع نمی‌توان افضلیت را فهمید بلکه از روایات اصبع یکی از این دو چیز فهمیده می‌شود: یکی جنس که جنس مسح با چوب و ... نمی‌شود و فقط با انگشت است و یا اینکه اشاره به عرض مسح دارد که عرض مسح به دو بیان در روایت آمده که یک انگشت است که این واجب است و دوم سه انگشت است که دال بر استحباب است و به نظر ما این حرف اظهر است چون در اندازه و تقدیر آنچه متعارف است عرض است و اراده طول محتاج به قرینه است و قرینه هم مؤونه زائده است و در صورت شک، اصل عدم قرینه است لذا آنچه از این روایات می‌فهمیم این است که اشاره‌ای به طول ندارد.

امر هفتم: آیا برعکس کردن مجزی است یا نه؟ مثلاً از پایین به بالا مسح کند. مرحوم سید در عروه نوشته است که از بالای سر به سمت پایین کشیدن واجب نیست وقتی واجب نبود، کشیدن برعکس مجزی است اما احتیاط مستحب از بالا به پایین کشیدن است و مشهور متأخرین هم دارند اما ادله:

دلیل اول: اطلاق آیه و روایات که فرقی بین اعلی و اسفل و برعکس نگذاشت و مقید به مسح اعلی به اسفل نشده.

دلیل دوم: در صحیحه زراره و بکیر وقتی از امام سؤال شد که در مقام مسح عمامه برداشته شود یا نه فرمودند لازم نیست که عمامه را بلند بکند بلکه انگشت را زیر آن بکشد و این نشان می‌دهد که اگر لازم بود می‌فرمودند که از بالا به پایین باشد.

دلیل سوم: خصوص صحیحه حماد، متن حدیث: محمد بن الحسن بإسناده عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد، عن العباس ابن معروف، عن ابن أبي عمير، عن حماد بن عثمان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لا بأس بمسح الوضوء مقبلا ومدبرا».[[1]](#footnote-1) یعنی چه از جلو یعنی بالا به پایین و عقب یعنی پایین به بالا مشکلی ندارد و روایت دیگر در مسح پا هم هست که مشکلی ندارد.

إن قلت: در صحیحه دوم مسح ملقب به پا شده است مفهومش این است که مسح سر را نباید از پایین به بالا کشید و نَکْس در سر جایز نیست. قلت: در صورتی این اشکال را قبول داریم که قائل به حجیت مفهوم لقب باشیم که کسی این را قائل نیست.

إن قلت: این صحیحه حماد دو روایت نیست و یک روایت است چون سند هر دو یک نفر است لذا مشخص نمی‌شود که امام علیه‌السلام کشیدن مسح سر از پایین به بالا را جایز می‌داند یا نه؟

قلت: اولاً: وحدت سند مستدعی وحدت حکم نیست ممکن است امام دو حکم را بیان کرده باشند. ثانیاً: این روایت دو تا است چون در سند وسائل الشیعه فقط به یک نفر بنام حماد بن عثمان نسبت داد اما در سند تهذیب روایت اول به حماد بن عیسی نسبت داد و روایت دوم را به حماد بن عثمان نسبت داد و لذا تعدد قطعی است و باید به هر دو روایت عمل کرد که روایت اول مطلق و روایت دوم مقید است.

الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين

1. وسایل ج ۱ ص ۲۸۶ ح ۱ و ۲ باب ۲۰ من ابواب وضو [↑](#footnote-ref-1)